

# دکتر رابرت ای. پترسون، کار نجات بخش مسیح، جلسه ۱۱، رویدادهای نجات بخش، بخش ۳، رویدادهای اصلی مرگ و رستاخیز عیسی

رابرت پترسون و تد هیلدبرانت © ۲۰۲۴

من دکتر رابرت پترسون هستم در حال تدریس در مورد کارهای نجات بخش مسیح. این جلسه ۱۱، رویدادهای نجات بخش، بخش ۳، رویدادهای اصلی، مرگ و رستاخیز عیسی است.

ما در حال مطالعه کار نجات بخش مسیح هستیم.

ما دو پیش نیاز اساسی، یعنی تجسم خداوندمان و زندگی بی گناه را بررسی کرده ایم. اکنون به وقایع اصلی در دستاورد نجات بخش او، یعنی مرگ و رستاخیز او، می پردازیم. مرگ مسیح، من با نقل قولی از جیم پکر، که اخیراً به نزد خداوندش رفته است، شروع می کنم.

عشق خدا به گناهکاران با هدیه پسرش به عنوان ناجی آنها ابراز شد. معیار عشق این است که چقدر داده می شود، می دهد. و معیار عشق خدا هدیه پسر یگانه اوست که انسان شود و برای گناهان بمیرد و به این ترتیب واسطه ای شود که می تواند ما را به خدا برساند.

جای تعجب نیست که پولس از عشق خدا به عنوان دانش عظیم و گذرا یاد می کند. افسسیان ۲، ۴، ۳، ۱۹ آیا تا به حال چنین سخاوت گرانبهایی وجود داشته است؟ پولس استدلال می کند که این هدیه والا، خود تضمین هر هدیه دیگری است.

نقل قول، او که پسر خود را دریغ نکرد، بلکه او را در راه همه ما تسلیم نمود، چگونه با او همه چیز را به ما نخواهد بخشید؟ رومیان ۸:۳۲. نویسندگان عهد جدید دائماً به صلیب مسیح به عنوان تاج اثبات واقعیت عشق بی حد و حصر خدا اشاره می کنند. سخنان جی. آی. پکر کاملاً درست به نظر می رسد.

وقتی انجیل ها واقعه مرگ مسیح را ثبت می کنند، در درجه اول به دو متن از عهد عتیق، مزمو ۲۲ و اشعیا استناد می کنند. من همین الان به طور گذرا به این موضوع اشاره کردم و به سراغ اهمیت رهایی بخش، ۵۳، مرگ نجات بخش مسیح می روم. دوست دارم شش تصویر از دستاورد نجات بخش مسیح، شش تصویر از دستاورد نجات بخش مسیح را پیش بینی کنم که به خواست خدا فردا به آنها خواهیم پرداخت.

یک عکس دیگر. الان فقط عکس ها را معرفی می کنم و برای هر کدام از عکس ها یک متن ارائه می دهم. اوه، ببخشید.

هاه، من آن اسلاید را به شما دادم. و این هم از این. بعداً با جزئیات بیشتری به این موارد خواهیم پرداخت. اما فکر کردم خوب است که حالا که به کفاره پروردگاران فکر می کنم، آن تصاویر را معرفی کنم.

مسیح جانشین قانونی ماست. ما توسط شریعت در حضور خدای عادل محکوم شدیم. مسیح بر روی صلیب به جای ما مجازات شریعت را متحمل می شود تا ما عادل شمرده شویم.

اشعیا ۵۳:۱۱، رومیان ۲۵:۳-۲۶، غلاطیان ۳:۱۳، کولسیان ۲:۱۴، اول پطرس ۳:۱۸، اول یوحنا ۲:۲ و در واقع، من هنوز هیچ یک از قسمت‌ها را باز نمی‌کنم. ما این کار را در آینده انجام خواهیم داد. من ۴:۱۰ فقط مضامین را معرفی می‌کنم و قسمت‌ها را ذکر می‌کنم.

مسیح پیروز ماست. ما با شیطان و دیوهایش، دشمنانی بسیار قدرتمندتر از ما، روبرو بودیم. مسیح یکی از ما می‌شود تا این دشمنان را در مرگ و رستاخیز خود شکست دهد.

اشعیا ۵۲:۱۳، ۵۳:۱۲، یوحنا ۱۲:۳۱، کولسیان ۲:۱۵، عبرانیان ۲:۱۴ و ۱۵. مسیح نجات‌دهنده ماست. ما با شیطان و دیوهایش مخالفت می‌کردیم.

بخشید، من قبلاً این را گفتم. مسیح نجات‌دهنده‌ی ماست. ما برده‌ی گناه بودیم، اما مسیح با پرداخت بهای رهایی در مرگ خود، ما را از اسارت به آزادی، از اسارت به گناه، و به آزادی پسران و دختران خدا رهایی می‌دهد.

مرقس ۱۰:۴۵، لوقا ۹:۳۱، اعمال رسولان ۲۰:۲۸، افسسیان ۱:۷. مسیح آشتی‌دهنده ماست. ما به دلیل گناهانمان از خدا بیگانه بودیم. مسیح می‌میرد تا بین خدا و ما صلح برقرار کند و ما را به مشارکت با خدا بازگرداند.

رومیان ۵:۱۰. مسیح، آدم دوم ماست. در سقوط پدر اولمان آدم، ما افتخار و سلطنت را از دست دادیم و محکوم به مرگ و محکومیت شدیم. در تجسم، پسر خدا به انسان دوم، آخرین آدم تبدیل می‌شود که با اطاعت خود تا مرگ و رستاخیزش، مزایای خلقت را احیا می‌کند و ما را عادل می‌سازد.

رومیان ۵:۱۸. مسیح قربانی ماست. ما به گناه آلوده شده بودیم و نمی‌توانستیم به خدا نزدیک شویم. مسیح، کاهن اعظم بزرگ ما، خود را به عنوان قربانی بی‌نظیری به خدا تقدیم می‌کند، ما را از گناه پاک می‌کند و ما را قادر می‌سازد تا با احترام و جسارت به حضور خدا بیاییم.

اشعیا ۵۲:۱۵، ۵۳:۱۰، یوحنا ۱:۲۹، یوحنا ۱:۳۶، یوحنا ۱۷:۱۹، افسسیان ۵:۲. موضوع قربانی همه جا به چشم می‌خورد. عبرانیان ۱:۳، ۲:۱۷، و بسیاری موارد دیگر در فصل‌های ۹ و ۱۰ نیز. اول پطرس ۱:۲، اول پطرس ۱:۱۸-۱۹، اول پطرس ۲:۲۴، اول یوحنا ۱:۷، مکاشفه ۵:۵، ۵:۶، ۷:۱۲، ۱۲:۱۱، ۱۳:۸. شش تصویر اصلی از دستاورد نجات‌بخش مسیح.

بیش از شش تا هستند، اما شش تای اصلی هستند. و برای اینکه گیج نشویم، می‌خواهم بگویم که این شش تصویر واقعاً یک چیز را می‌گویند. این شش تصویر می‌گویند که ما در گناه گم شده بودیم و مسیح ما را نجات داد.

آنها چیزی غیر از این نمی‌گویند، اما همین را می‌گویند. در واقع، کتاب مقدس حتی می‌گوید که ما در گناه گم شده بودیم و مسیح گاهی ما را نجات می‌داد. اما این تصاویر را نیز برای توصیف همان واقعیت ترسیم می‌کند.

مردم در گناه گم شده‌اند و خداوند آنها را از طریق مرگ و رستاخیز مسیح نجات می‌دهد. سوال من این است که چرا چنین تصاویر متعددی وجود دارد؟ چرا فقط نمی‌گوییم هر بار که عیسی این گناهکاران را با مردن به جای آنها و برخاستن دوباره نجات داد؟ باز هم، گاهی اوقات کتاب مقدس این را می‌گوید، اما اغلب این تصاویر را ترسیم می‌کند. آیاتی که من نقل کردم، تکرار فراوان این مضامین مختلف را نشان می‌دهد. چرا تصاویر متعددی از کار نجات‌بخش مسیح وجود دارد؟ چند پاسخ

اولاً، به دلیل کثرت تصاویر گناه، ما محکوم شده بودیم و به یک جایگزین قانونی نیاز داشتیم. ما توسط نیروهای معنوی بسیار بزرگتر از خودمان سرکوب می‌شدیم و به یک قهرمان نیاز داشتیم. ما در گناه اسیر بودیم، برده گناه بودیم و به یک نجات‌دهنده نیاز داشتیم.

ما به دلیل گناهانمان از خدا بیگانه شده بودیم و به یک صلح‌دهنده و آشتی‌دهنده نیاز داشتیم. ما به دلیل گناه آدم، محکوم به مرگ و محکومیت بودیم. ما به آدم دوم نیاز داشتیم تا آنچه را که آدم اول از دست داده بود، بازیابی کند.

ما در برابر خدای مقدس آلوده شده بودیم. به زبان جذام، ما ناپاک بودیم. و مسیح، کاهن اعظم بزرگ و قربانی ما، خود را به خدا تقدیم کرد تا ما را پاک و طاهر سازد.

بنابراین، کثرت تصاویر کفاره با کثرت تصاویر گناه مطابقت دارد. یعنی خداوند گناه را نه فقط سیاه و سفید بلکه به صورت تکی کالر به تصویر می‌کشد و کفاره را نیز با همان تکی کالر به تصویر می‌کشد. ثانیاً، کثرت تصاویر کار نجات‌بخش مسیح، بر عظمت آن کار نجات‌بخش تأکید می‌کند.

شایسته است از دیدگاه‌های مختلف به این موضوع نگریسته شود که خداوند ممکن است بخش کوچکی از ستایش، جلال و فداکاری را که شایسته آن است از قوم خود دریافت کند. همچنین، این واقعیت که تصاویر متعددی از صلیب و مقبره خالی وجود دارد، تدبیری از جانب خداوند برای خدمت به نیازمندان است، زیرا گاهی اوقات یکی از این تصاویر برای کسی مفیدتر است، چه به عنوان یک فرد گمشده و نجات نیافته و چه به عنوان یک مسیحی در حال مبارزه که به کمک خدا نیاز دارد. مثالی می‌زنم.

وقتی استاد حوزه علمیه بودم، معمولاً تکلیفی می‌دادم. یکی از وقایع عیسی یا یکی از تصاویر او از کار نجات‌بخشش را انتخاب کنید و بگویید که چگونه در موقعیت فعلی خدمتتان در گذشته یا به خواست خدا در آینده به شما کمک خواهد کرد. من دانشجویی داشتم که در مرکز شهر سنت لوئیس با بچه‌هایی از پیشینه‌های مختلف خدمت می‌کرد و او زندگی بدون گناه عیسی و تصویر مسیح به عنوان آدم دوم را انتخاب کرد.

او گفت همه این بچه‌هایی که در کلاس مدرسه یکشنبه من یا در گروه جوانان او بودند، هر چه که بودند، همه معتقد بودند که عیسی خداست و از او می‌ترسیدند. آنها نمی‌توانستند با او ارتباط برقرار کنند. او گفت، اما وقتی ما این واقعیت را مطالعه کردیم که عیسی وسوسه شد و در طول وسوسه رنج کشید اما هرگز تسلیم وسوسه نشد، آنها احترام جدیدی برای عیسی پیدا کردند و احساس نزدیکی بیشتری به او کردند، توانستند با او ارتباط برقرار کنند، زیرا گفتند که او می‌تواند با ما ارتباط برقرار کند.

او واقعاً یکی از ما شد. و او توانست انجیل را در آن تصویر خلقت تازه آدم دوم به آنها ارائه دهد. حتی وقتی عیسی مرد و برخاست، آنها باید به او به عنوان کسی که مرد و برخاست، اعتماد می‌کردند و او را به عنوان خداوند و نجات‌دهنده خود می‌شناختند.

او ثمربخشی واقعی را دید. از قضا، او اصلاً انتظار چنین چیزی را نداشت. او مجبور نبود برای الوهیت مسیح استدلال کند.

آنها معتقد بودند که عیسی خداست و به همین دلیل، احساس می‌کردند از او دور هستند. او غیرقابل دسترس بود، اما آنها احساس می‌کردند که وقتی به انسانیت و وسوسه شدنش فکر می‌کردند، به آنها نزدیک است. با نتیجه‌ی بی‌گناهی او، این امر آنها را به صلیب او به عنوان منبع منحصر به فرد نجات، نه تنها نجات جهان

، بلکه نجات خودشان، سوق داد، زیرا این پسران جوان به مسیح، آدم دوم و آخرین و نجات‌دهنده‌ی جهان، روی آوردند.

ما بیشتر به کار مسیح خواهیم پرداخت، زیرا دقیقاً مرگ مسیح به عنوان مظهر کار نجات‌بخش اوست، که هرگز از قبر خالی جدا نمی‌شود، وقتی در مورد تصاویر چگونگی نجات ما توسط او صحبت می‌کنیم. بنابراین اکنون بیشتر به مرگ مسیح نمی‌پردازیم، اما آن را در چارچوب آن شش تصویر بررسی خواهیم کرد. تصویر شریعت، پیروزی، رستگاری، آشتی، آدم دوم، و همچنین تصویر قربانی کاهنان

بنابراین، به رستاخیز مسیح می‌پردازیم، که با آن از نظر پاسخ به این سوال که چگونه این جنبه از کار او ما را نجات می‌دهد، چندان آشنا نیستیم؟ هاوارد مارشال، محقق مشهور عهد جدید بریتانیایی، این کلمات را نوشته است. این یک واقعیت قابل توجه است که تک‌نگاری‌های زیادی در مورد الهیات مرگ مسیح وجود دارد، اما در مقایسه با آن، تعداد بسیار کمی در مورد الهیات رستاخیز او وجود دارد. در گروه اخیر نوشته‌ها، توجه بیشتر به تاریخی بودن رستاخیز مسیح و اهمیت آن در رابطه با رستاخیز آینده مؤمنان معطوف شده است.

همچنین توجه به نقش رستاخیز در رابطه با زندگی جدید کنونی مؤمنان متمرکز است، اما اینکه چگونه یک رویداد نجات‌بخش است، نادیده گرفته می‌شود. در واقع، آیا یک رویداد نجات‌بخش نیست؟ سخنان او درست به نظر می‌رسد.

می‌توانم در کتابخانه شخصی خودم بیش از ۵۰ کتاب در مورد کفاره‌ای که صلیب مسیح است، بشمارم، و تعداد بسیار کمی، شاید به تعداد انگشتان یک دست، کتاب‌هایی که به اهمیت نجات‌بخش رستاخیز او می‌پردازند. رستاخیز خداوند عیسی مسیح نجات می‌دهد. قلب کار نجات‌بخش او مرگ و رستاخیز اوست.

وقتی پولس انجیل را در اول قرن‌تین ۱۵ خلاصه می‌کند، هر دو را ذکر می‌کند، نقل قول می‌کنم، زیرا من آنچه را که دریافت کردم، به عنوان مهمترین نکته به شما تحویل دادم، اینکه مسیح مطابق با آنچه دفن شد، برای گناهان ما مرد و مطابق با کتاب مقدس در روز سوم برخاست. اول قرن‌تین ۱۵، ۳ و ۴. توجه داشته باشید که هم مرگ و هم رستاخیز مسیح مطابق با کتاب مقدس است و انجیل هر دو را شامل می‌شود. رستاخیز عیسی نجات می‌دهد.

این یک اصل مشترک نیست، بنابراین ممکن است درک آن برای شما دشوارتر باشد. از این رو، من برای توضیح این متون، زمان بیشتری نسبت به توضیح چگونگی نجات توسط مرگ او صرف خواهم کرد. مرور کلی رستاخیز مسیح، توجیه و بخشش را به ارمغان می‌آورد.

احتمالاً از شنیدن این حرف من خسته شده‌اید، اما من به گفتنش ادامه می‌دهم. نه جدا از صلیب او، بلکه همراه با صلیب او، رستاخیز مسیح، عادل شمردگی و بخشش را به ارمغان می‌آورد. دوم اینکه، حداقل در یک متن، صلح با خدا را برقرار می‌کند.

این زمینه یا اساس آشتی است، البته با مرگ او. از همه مهمتر، رستاخیز مسیح، اگر بینی‌ها را بشمارید، اگر متون را بشمارید، حقیقت غالب در پاسخ به این سوال است که رستاخیز عیسی چگونه نجات می‌دهد؟ پاسخ این است که مصلوب شده و اکنون برخاسته با آغاز خلقت جدید خدا نجات می‌دهد. هم تولد دوباره در حال حاضر در نتیجه رستاخیز او و هم رستاخیز آینده ما برای زندگی ابدی در زمین جدید.

رستاخیز و تبدیل به بدن‌های رستاخیزی نتیجه رستاخیز عیسی است. اینگونه است که رستاخیز او ما را نجات می‌دهد. این رستاخیز، بخشش و آشتی را به ارمغان می‌آورد و خلقت جدید را آغاز می‌کند.

رستاخیز عیسی، عادل شمردگی و بخشش را به ارمغان می‌آورد. وقتی پولس در رساله به رومیان، مبنای عادل اعلام کردن گناهکاران توسط خدا را ارائه می‌دهد، در درجه اول به صلیب مسیح اشاره می‌کند. ما این را در رومیان ۲۵:۳-۲۶ دیدیم، جایی که خدا عیسی مسیح را به عنوان کفاره گناهان با خون خود معرفی کرد.

در رومیان ۵: ۱۸-۱۹، اساس عادل‌شمردگی، اطاعت مسیح تا مرگ، یعنی تنها عمل پارسایی او بر روی صلیب است. پولس وقتی از عادل‌شمردگی صحبت می‌کند، بر صلیب تمرکز می‌کند، اما رستاخیز عیسی را از قلم نمی‌اندازد. در بخشی از رومیان، رسول صلیب و قبر خالی را در کنار هم قرار می‌دهد.

عدالت، نقل قول، برای ما که به او ایمان داریم که عیسی، خداوند ما را از مردگان برخیزانید، شمرده خواهد شد. او که به خاطر گناهان ما تسلیم شد و به خاطر عادل شمرده شدن ما برخیزانیده شد. رومیان ۴:۲۳ تا در اینجا، رسیدگی به گناهان و عادل شمرده شدن ما دو نعمت جداگانه نیستند، بلکه یک راه برای ۲۵. صحبت در مورد یک چیز هستند.

زیرا عادل‌شمردگی را می‌توان به عنوان نسبت مثبت عدالت به گناهکار مؤمن بیان کرد، رومیان ۳:۴ تا ۵، و سایر متون. همچنین می‌توان آن را به عنوان عدم نسبت گناه به گناهکار مؤمن بیان کرد، رومیان ۶:۴ تا ۷ بنابراین وقتی پولس می‌گوید عیسی به خاطر گناهان ما تسلیم شد، منظورش این است که مرگ کفاره‌ای او برای عادل‌شمردگی ما ضروری بود. وقتی می‌گوید عیسی برای عادل‌شمردگی ما برخیزانیده شد، منظورش این است که رستاخیز پیروزمندانه عیسی برای عادل‌شمردگی ما ضروری بود.

مرگ و رستاخیز عیسی مسیح، هر دو، برای عادل شمرده شدن گناهکاران در پیشگاه خدای مقدس ضروری هستند. مرگ عیسی مسیح، اساس عادل شمرده شدن ماست، به این معنا که او، جانشین ما، به جای ما مُرد و جریمه‌ای را که ما هرگز نمی‌توانستیم بپردازیم، پرداخت. او همچنین به عنوان خداوند و نماینده رستاخیز یافته ما عمل می‌کند.

او در رستاخیزش جانشین ما نیست. او به جای ما قیام نکرده است، اما او نماینده ما به عنوان خداوند ماست. او کسی است که به نمایندگی از ما زندگی می‌کند.

این حداقل از دو جهت درست است. می‌توانم با صراحت بگویم: توضیح اینکه چگونه مرگ عیسی ما را در عادل‌شمردگی نجات می‌دهد، بسیار آسان‌تر از توضیح این است که چگونه رستاخیز او این کار را انجام می‌دهد. اما پولس می‌گوید، رومیان ۴:۲۵، و ما باید سعی کنیم با آن کار کنیم و سعی کنیم آن را بفهمیم.

دو معنا. اول، رستاخیز مسیح گواهی بر اثربخشی مرگ اوست، حقیقتی که همانطور که قبلاً گفتم، ما از قبل می‌دانستیم. همانطور که سی. پی. کرانفیلد، مفسر بزرگ رومیان، توضیح می‌دهد، «زیرا آنچه که گناه ما ایجاد کرد، در وهله اول، مرگ کفاره‌ای مسیح بود.»

و با این حال، اگر مرگ او با رستاخیزش همراه نبود، این عمل عظیم خدا برای عادل شمرده شدن ما نمی‌بود. دوم، رستاخیز عیسی ما را نجات می‌دهد، زیرا او که برای ما مرد، توسط خدا از مرگ آزاد می‌شود. مرگ نجات‌بخش و رستاخیز نجات‌بخش او دلایلی هستند که خدا ما را نیز از مرگ آزاد خواهد کرد.

جیمز دان در تفسیر خود بر رومیان توضیح می‌دهد: «ارتباط بین عادل‌شمردگی و رستاخیز عیسی، این نکته را برجسته می‌کند که فیض عادل‌شمردگی خدا، در صلح با قدرت خلاق و حیات‌بخش اوست. همانطور که خواهیم دید، رستاخیز او اساس و تضمین رستاخیز ما به سوی زندگی ابدی در روز آخر است. رستاخیز عیسی، عادل‌شمردگی را به ارمغان می‌آورد.»

همچنین بخشش گناهان را به همراه دارد. دوباره مستقیماً به اول قرن‌تین ۱۵ می‌روم. و اگر مسیح زنده نشده باشد، اول قرن‌تین ۱۵، ۱۷، ایمان شما بیهوده است و شما هنوز در گناهان خود هستید.

اول قرن‌تین ۱۷:۱۵. چرا چنین چیزی ممکن است؟ آنتونی تیسلتون پاسخ می‌دهد: «بدون رستاخیز مسیح، مرگ مسیح به تنهایی هیچ تأثیر کفاره‌ای، رهایی‌بخش یا رهایی‌بخشی در رابطه با گناه انسان ندارد از آنجا که عیسی، نماینده الهی و انسانی ما، نه تنها به جای ما مرد، بلکه به عنوان پیروز بر گناه در قبر نیز زندگی می‌کند، او تا به آخر همه کسانی را که از طریق او به سوی خدا می‌آیند، نجات می‌دهد. عیسی در آسمان قربانی کاهنی انجام داد. حقیقتی مرتبط در عبرانیان ۷:۲۳، ۲۵ تعلیم داده شده است.

برخلاف کاهنان عهد عتیق که می‌مردند و نوادگان‌شان جانشین آنها می‌شدند، مسیح، نقل قول، کهانت خود را به طور دائم حفظ می‌کند، عبرانیان ۷:۲۴. چرا؟ نقل قول، زیرا او تا ابد ادامه دارد، نقل قول نزدیک، به عنوان کسی که قیام کرده است. در نتیجه، نقل قول، او قادر است کسانی را که از طریق او به خدا نزدیک می‌شوند، تا نهایت نجات دهد، زیرا او همیشه زنده است تا برای آنها شفاعت کند.

«نقل قول نزدیک، عبرانیان ۷:۲۵. وقتی پولس می‌گوید، وقتی نویسنده به عبرانیان می‌گوید، «جز تا نهایت منظورش برای همیشه و به هر شکل دیگری است که بتوانید تصور کنید. مرگ او کاملاً کافی است، چه از نظر زمانی و چه از هر شکل دیگری که بتوانید تصور کنید.

شفاعتی که در اینجا از آن صحبت می‌شود، خدمت آسمانی مسیح برای دعا کردن برای مقدسین نیست. این در رومیان ۸:۳۴ تعلیم داده شده است. اما شفاعت عبرانیان ۷:۲۵ دعای مسیح برای مقدسین را مستثنی نمی‌کند، بلکه تمرکز آن در جای دیگری بر خدمت کهانت او برای کفاره گناهان با ریختن خونس است.

نویسنده می‌گوید که او قادر است کسانی را که از طریق او به خدا نزدیک می‌شوند، تا به نهایت نجات دهد، زیرا او همیشه زنده است تا برای آنها شفاعت کند، عبرانیان ۷:۲۳. منظور او این است که عیسی قوم خود را برای همیشه نجات می‌دهد زیرا او دائماً قربانی کاهنی خود را در حضور خدا در آسمان تقدیم می‌کند. کفاره‌ای که او یک بار برای همیشه بر روی صلیب جلجتا انجام داد، برای همیشه مفید است زیرا او به عنوان یک فرد رستاخیز یافته، با قدرت یک زندگی فناپذیر، کهانت دائمی را در اختیار دارد.

این یک نقل قول است و او تا ابد ادامه دارد، عبرانیان ۷:۱۶ و ۲۴. اف. اف. بروس بر این نقل قول حقیقت تأکید می‌کند، درست است که مسیح مُرد و مرگ او قربانی اساسی کاهنی برای گناهان انسان بود، اما مرگ او پایان کهانت او یا لحظه انتقال او از او به شخص دیگری نبود، همانطور که برای کاهنان لاوی بود، زیرا او از قبر برخاست، بر مرگ پیروز شد و اکنون به عنوان روح ما و کاهن اعظم زنده جاودانه ادامه دارد. عیسی کاهن اعظم ماست که با مرگ و رستاخیز خود نجات می‌دهد.

علاوه بر این، رستاخیز مسیح، صلح با خدا را برقرار می‌کند. مرگ و رستاخیز عیسی، که اکنون بر آن تأکید داریم، علاوه بر اینکه عادل شمردگی و بخشش را به ارمغان می‌آورد، صلح با خدا را نیز به ارمغان می‌آورد. آنها همچنین صلح با خدا یا آشتی را به ارمغان می‌آورند.

پولس در رومیان ۵:۹ و ۱۰ بر این جنبه نجات‌بخش کار مسیح تأکید می‌کند. آیه ۱۰ به ما می‌گوید، اگر زمانی که دشمن بودیم، به وسیله مرگ پسرش با خدا آشتی داده شدیم، چقدر بیشتر اکنون که آشتی کرده‌ایم، به وسیله حیات او نجات خواهیم یافت. در اینجا، پولس آشتی را به مرگ مسیح نسبت می‌دهد و نجات نهایی را به حیات رستاخیزی او.

ما با مرگ و رستاخیز مسیح آشتی می‌کنیم و سرانجام نجات می‌یابیم. با این حال، مشخص نیست که رستاخیز مسیح چگونه نجات می‌دهد. تام شراینر به ما کمک می‌کند، و من از تفسیر او بر رومیان نقل قول می‌کنم، که چگونه زندگی مسیح از خشم آخرالزمانی نجات می‌دهد؟ یادآوری تشابهات بین رومیان ۵: ۱ تا ۱۱ و ۸: ۱ تا ۱۸ تا در این مرحله آموزنده است ۳۹.

به طور خاص، آیات ۸:۳۳ و ۳۴ دو استدلال را مطرح می‌کنند که چرا مؤمنان می‌توانند مطمئن باشند که در روز داوری محکوم نخواهند شد. دلیل اول این است که خدا عادل شمرده شدن را به انجام رسانده است و کسانی را که از آنها تبرئه کرده است، متهم نخواهد کرد. دوم، به مؤمنان اطمینان داده می‌شود که از محکومیت رهایی خواهند یافت، زیرا مسیح به خاطر آنها مرد، زنده شد و به مردگان قیام کرد و شفاعت می‌کند.

بنابراین، در آیه ۱۰: ۵، متن فعلی ما، یعنی زندگی مسیح، احتمالاً هم به رستاخیز او و هم به کار شفاعت او. برای مؤمنان اشاره دارد. من مطمئنم که حداقل به اولی، رستاخیز او، و شاید به دو مورد آخر اشاره دارد. شراینر می‌گوید اشاره به مرگ و رستاخیز مسیح، آیه ۴:۲۵ را نیز به یاد می‌آورد، که در آن هم مرگ و هم رستاخیز مسیح عناصر تشکیل‌دهنده‌ی عادل‌شمردگی مؤمن هستند.

مرگ و رستاخیز مسیح در تحقق رستگاری جدایی‌ناپذیرند. شراینر درست می‌گوید. ما نباید آنچه را که خدا کنار هم قرار داده است از هم جدا کنیم، و او مرگ و رستاخیز مسیح را به طور جدایی‌ناپذیری کنار هم قرار داده است.

گاهی اوقات کتاب مقدس هم به مرگ و هم به رستاخیز عیسی اشاره می‌کند. این مورد در رومیان ۱۰: ۵ دیده می‌شود که آشتی را هم به مرگ او و هم به نجات نهایی را به زندگی او نسبت می‌دهد. رستاخیز او دقیقاً چگونه ما را در نهایت نجات می‌دهد؟ پاسخ شامل تکرار مطالبی است که قبلاً در مورد آنها بحث کردیم.

رستاخیز او، عادل‌شمردگی و بخشش را تضمین می‌کند و کهنات دائمی مسیح را تضمین می‌نماید. پاسخ همچنین بخش بعدی را پیش‌بینی می‌کند که اهمیت اصلی رستاخیز مسیح در نجات را برجسته می‌کند، که این است. او، در رستاخیز خود، خلقت جدید و هر آنچه را که اکنون و در آینده با آن می‌آید، آغاز می‌کند.

این بخش بعدی یادداشت‌ها، رستاخیز مسیح، آغازگر خلقتی جدید است که از کتاب من، *کار نجات بخش مسیح، رستگاری از طریق پسر*، کار نجات بخش مسیح، گرفته شده است. من او را شریک جرمم شریک نویسندگی‌ام، کریستوفر مورگان می‌نامم، ما رد کتاب‌هایی را که در طول سال‌ها با هم نوشته‌ایم، از دست داده‌ایم. خداوند را شکر می‌کنم که در چند مجموعه و در پروژه‌های دیگر به خداوند خدمت کرده‌ایم.

همین را می‌گویم. اما او آدم خیلی باهوشی است. به او نگو که من این را گفته‌ام، اما او از من باهوش‌تر است.

با یک حافظه تصویری، که همکار نویسنده فعلی من، ون لیز، هم دارد. حال این مرد چطور است؟ خدایا، من را با این‌ها قرار بده. نمی‌دانم.

به هر حال، آنها برادران خوبی هستند و ما رفاقت خوبی داریم. اما مورگان آدم باهوشی است. و یک بار به من گفت که این مطلب برایش آنقدر تازگی دارد که برای آماده شدن برای خطبه‌های عید پاک، این مطلب را که می‌خواهم از آن نقل قول کنم، سه بار خواند تا سعی کند آن را درک کند، تا در ذهنش جای بگیرد، چون خیلی جدید بود.

اگرچه ما رستاخیز عیسی را در دفاعیات تأیید می‌کنیم، اما فقط با انکار رستاخیز او توسط لیبرالیسم مخالفیم. اگرچه به درستی می‌گوییم که این امر اثربخشی صلیب مسیح را نشان می‌دهد و اثبات می‌کند، اما پولس نیز پطرس را به عنوان یک رویداد نجات‌بخش به خودی خود، و البته جدایی‌ناپذیر از صلیب او، معرفی می‌کند.

یکی از گفته‌های من، یکی از گفته‌های من، پس از سال‌ها تدریس چیزهای آخر، این است که هر جنبه‌ی اصلی چیزهای آخر، که مطالعه‌ی آن آخرت‌شناسی نامیده می‌شود، هر جنبه‌ی اصلی آخرت‌شناسی، هم در حال حاضر وجود دارد و هم هنوز وجود ندارد. این بدان معناست که هر جنبه‌ی اصلی چیزهای آخر، نجات داوری، زندگی ابدی، دجال، هر چیزی که بتوانید به آن فکر کنید، رستاخیز، هم تا حدی اکنون تحقق یافته و هم به معنای وسیع‌تر در روز آخر، پس از بازگشت مسیح، محقق شده است. و در مورد خلقت جدید نیز همینطور است.

تنها آسمان‌ها و زمین جدید به معنای کامل کلمه، در «هنوز نه چندان دور»، در بازگشت مسیح و رویدادهای همزمان با آن، وجود خواهند داشت. اما خلقت جدید با رستاخیز عیسی از مردگان آغاز شد و مؤمنان نتایج آن را اکنون در تجدید حیات تجربه کردند. مانند هر جنبه اصلی دیگر از چیزهای گذشته، خلقت جدید از قبل وجود دارد، در حال حاضر تحقق یافته و حتی توسط مؤمنان تجربه می‌شود، و نه هنوز.

این هنوز به معنای کامل خود باید محقق شود. یوحنا، پطرس و پولس مانند یک گروه موسیقی یا یک گروه قدیمی به نظر می‌رسند؛ یوحنا، پولس و پطرس، پطرس، پولس و مریم همه تعلیم می‌دهند، نه مریم، همه تعلیم می‌دهند که رستاخیز عیسی، حیات تازه‌ای را در تجدید حیات برای گناهکاران کنونی به ارمغان می‌آورد. آه، ببخشید.

نباید به تلاش خود برای شوخ‌طبعی بد خندید. یوحنا، پولس و پطرس همگی تعلیم می‌دهند که رستاخیز عیسی، حیات تازه‌ای را در تجدید حیات برای گناهکاران کنونی به ارمغان می‌آورد. در یوحنا 11: 25، 26، عیسی سخنان معروف خود را با این مضمون بیان می‌کند: «من می‌گویم»، او به مارتا، خواهر لازاروس مُرده، «می‌گوید»: «من رستاخیز و حیات هستم».

هر که به من ایمان آورد، حتی اگر بمیرد، زنده خواهد شد. و هر که زنده باشد و به من ایمان آورد، هرگز نخواهد مرد. توضیح این آیات دشوار است.

مطمئناً، آنها عیسی را به عنوان حیات‌بخش معرفی می‌کنند، که موضوع اصلی انجیل چهارم است. منجی، مصلوب و رستاخیز یافته، حیات جاودان را به عنوان هدیه‌ای به قوم خود و هر کسی که به او ایمان آورد و تفسیر او بر انجیل چهارم در رابطه با تفسیر این آیه دریافت CH Dodd عطا می‌کند. من بیشترین کمک را از کرده‌ام.

عیسی گفت: «من رستاخیز هستم. هر که به من ایمان آورد، حتی اگر بمیرد، زنده خواهد شد. داد گفت که باید دو بخش از این آیه را برداریم و بخش اول آیه ۲۵ را با بخش اول آیه ۲۶ جمع کنیم و همین کار را برای بخش دوم انجام دهیم».

خواندنش آسان‌تر از توضیح دادنش است. من رستاخیز هستم، هر که به من ایمان آورد، حتی اگر بمیرد، زنده خواهد شد. عیسی در او مؤمنانی را که مرگ جسمانی را تجربه می‌کنند، زنده خواهد کرد.

با صدای او، آنها از قبرهایشان بیرون خواهند آمد، نقل قول، برای رستاخیز حیات، یوحنا ۵، ۲۸، ۲۹. او حیات‌بخش است که در روز آخر به قوم خود حیات رستاخیز خواهد بخشید. این معنای این کلمات است.

من رستاخیز هستم، هر که به من ایمان آورد، حتی اگر بمیرد، زنده خواهد شد. با پیروی از الگویی مشابه، من حیات هستم. با در نظر گرفتن بخش دوم هر یک از آیات یوحنا ۱۱، ۲۵، ۲۶ و کنار هم قرار دادن آنها، من حیات هستم.

هر که زنده است و به من ایمان دارد، هرگز نخواهد مرد، نقل قول نزدیک. کسانی که در زندگی به عیسی ایمان دارند، مرگ دوم، جهنم را تجربه نخواهند کرد. دلیلش این است که عیسی، حیات بخش، اکنون به عنوان یک هدیه به آنها حیات جاودان می‌دهد.

همانطور که در یوحنا ۱۰ گفت، من به آنها حیات جاودان می‌دهم و آنها هرگز هلاک نخواهند شد. هیچ کس آنها را از دست من نخواهد گرفت. پدر من که آنها را به من داده است از همه بزرگتر است و هیچ کس نمی‌تواند آنها را از دست پدر بگیرد.

من و پدر در توانایی‌مان برای حفظ امنیت گوسفندان یکی هستیم، یوحنا ۱۰:۲۸ تا ۳۰. با بیرون آمدن کلمات ایلعازر، عیسی، رستاخیز و حیات، دوستش را از قبر برمی‌خیزاند تا ثابت کند که اکنون دهنده حیات ابدی است و به عنوان نشانه‌ای از قدرتش برای زنده کردن مردگان به حیات جاودان، دوستش ایلعازر را زنده کرده است. دی. ای. کارسون این حقایق را به تصویر کشیده است، نقل قول می‌کند، همانطور که عیسی نه تنها نان، از آسمان می‌دهد، بلکه خود نان حیات است، یوحنا ۶:۲۷ و ۳۵، به همین ترتیب او نه تنها در روز آخر، و پس از آن، مردگان را زنده می‌کند، بلکه خود رستاخیز و حیات است ۵:۲۵، ۵:۲۱.

طبق تفسیر فوق‌العاده‌ی دی. ای. کارسون بر انجیل یوحنا، که الهیات مورد علاقه‌ی من از انجیل چهارم است، نه رستاخیزی وجود دارد و نه حیات جاودانی، خارج از او. افسسیان ۲:۴ تا ۷، در پس‌زمینه‌ای از عصیان و گناه وحشتناک بشر، من هیچ جای بهتری برای نشان دادن دنیا، نفس و شیطان به عنوان دشمنان ما، جز افسسیان ۱:۲ تا ۳ نمی‌شناسم، اما در مقابل آن پس‌زمینه، پولس می‌گوید: اما خدا که در رحمت خود دولتمند است، به خاطر عشق عظیمی که به ما داشت، حتی زمانی که در گناهان خود مرده بودیم، ما را با مسیح زنده کرد. عیسی اکنون با اتحاد معنوی ما با پسرش در رستاخیزش، به ما حیات معنوی می‌بخشد.

اتحاد با مسیح جامع‌ترین راه برای صحبت در مورد کاربرد نجات است. خداوند ما را از نظر معنوی به پسرش می‌پیوندد تا تمام مزایای نجات بخش او از آن ما شود. ظهور آسمان‌های جدید و زمین جدید در انتظار آمدن دوم مسیح است.

هنوز نرسیده است، و در انتظار رستاخیز مردگان است، که هنوز نرسیده است، اما از آنجا که عیسی مرد و دوباره زنده شد، خدا گناهکاران را از نو آفریده است. او اکنون به آنها حیات جاودانی را که مشخصه عصر آینده است، می‌دهد. بنابراین، مؤمنان ناهنجاری هستند.

طبق رومیان ۸، ما حیات جاودان در بدن‌های فانی و حیات جاودان در بدن‌های در حال مرگ داریم. قرار نیست اینطور باشد، اما مطمئناً بهتر از نداشتن حیات جاودان در بدن‌های فانی است. در رستاخیز مردگان، ما حیات جاودان در بدن‌های فناپذیر خواهیم داشت.

وقتی دگرگونی شگفت‌انگیز، کلمه کلیدی رستاخیز رخ می‌دهد. در روزی که عیسی دوباره بیاید، به دلیل رستاخیز عیسی، خدا بدن‌های حقیر ما را دگرگون خواهد کرد، فیلیپیان ۳:۲۰ و ۲۱، تا مانند بدن رستاخیز یافته پسر خدا در جلال، قدرت و جاودانگی باشد. آن آیه فیلیپیان در واقع آن کار را به خود عیسی نسبت می‌دهد، کسی که قدرت دارد همه چیز را مطیع خود کند.

در اول پطرس ۱:۳، پطرس در میان ستایش، نقش‌های تجدید حیات را به پدر و پسر واگذار می‌کند. در جای دیگر، کتاب مقدس کلمه را به کار می‌برد و نقش تجدید حیات را به روح واگذار می‌کند. هر سه نقش دارند.

پطرس می‌نویسد: اولاً، پدر، متبارک باد، خدا و پدر خداوند ما عیسی مسیح، بر اساس رحمت عظیم خود، ما را برای امیدی زنده از نو زاده کرده است. پدر در رحمت، به دلیل اراده و رحمت خود که ما را از نو زاده می‌کند، تجدید حیات ما را برنامه‌ریزی و سبب می‌شود. پدر برای ما برنامه‌ریزی می‌کند تا از طریق رستخیز عیسی مسیح از مردگان، اول پطرس ۱:۳، از نو زاده شویم. این رستخیز عیسی است که قدرت الهی را آزاد می‌کند و باعث تجدید حیات ما به سوی زندگی جدید می‌شود.

حیات رستخیز یافته‌ی او منبع حیات جاودانی است که روح برای ما به کار می‌گیرد، اگرچه پطرس در اینجا به روح اشاره نمی‌کند. روح آن را به کار می‌گیرد. پدر، تجدید حیات را برنامه‌ریزی می‌کند.

رستخیز پسر، پسر نیروی محرکه است. رستخیز او قدرت حیات جدید است. و روح در واقع آن حیات را در ما به کار می‌گیرد.

او ما را زنده می‌کند. او باعث می‌شود که ما برای خدا زنده شویم و نقشه خدا را به انجام برسانیم، و ما برای خدا زنده می‌شویم، همانطور که روح با حیات رستخیز عیسی ما را زنده می‌کند. پیتر دیویدز، متخصص رساله‌های عمومی، در مورد اول پطرس ۱:۳ صحبت می‌کند. او حقیقت گرانبهایی را بیان می‌کند، یک نقل قول، زیرا عیسی واقعاً دروازه‌های مرگ را در هم می‌شکند و اکنون به عنوان خداوند زنده ما وجود دارد.

کسانی که خود را به او سپرده‌اند، در زندگی جدید او سهیم هستند و می‌توانند انتظار داشته باشند که در آینده نیز به طور کامل در آن مشارکت داشته باشند. بنابراین، عیسی، پولس و پطرس، هر کدام به مسیح اشاره می‌کنند، هر نکته‌ای را که ممکن است به تصویر بکشند، اما آنها همچنین به رستخیز مسیح از مردگان به عنوان منبع مالکیت فعلی ایمانداران بر حیات ابدی اشاره می‌کنند. از آنجا که عیسی ما را دوست داشت، خود را برای ما فدا کرد و با برخاستن از مردگان بر مرگ غلبه کرد، ما اکنون از نو زاده می‌شویم.

یعنی، این حس وجود دارد که خلقت جدید از قبل به لطف خدا از طریق ایمان در زندگی قومش تحقق یافته است. این انتظاری برای خلقت جدید است که هنوز محقق نشده است، یعنی رستخیز آینده تا رستگاری نهایی، که آن هم نتیجه رستخیز عیسی است. ما در سخنرانی بعدی خود به این واقعیت خواهیم پرداخت که عیسی باعث رستخیز ما شده است.

این دکتر رابرت پترسون در حال تدریس در مورد کارهای نجات‌بخش مسیح است. این جلسه ۱۱، رویدادهای نجات‌بخش، بخش ۳، رویدادهای اصلی، مرگ و رستخیز عیسی است.